



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

در آمدی بر
روش مطالعه کتابخانه‌ای
بر اساس فلسفه نظام ولایت

استاد : حجه الاسلام و المسلمین دکتر مسعود صدوق

تهیه و تنظیم : محمد باقر حبیبی

دانشگاه علوم پزشکی بقیه ... (عج)

گروه مدیریت تحقیقات

آذرماه ۱۳۷۵

فهرست مطالب

گفتار اول

۲- مقدمه

۲- ضرورت روش مطالعه در مدیریت تحقیقات

۳- فلسفه ولایت در روش مطالعه

۴- اهداف روش مطالعه در فلسفه نظام ولایت

گفتار دوم

۵- روش منبع یابی

۵-۱- معیارهای انتخاب منبع

۵-۱-۱- پذیرش کتاب در فرهنگ عمومی جامعه

۱- نویسنده کتاب

۲- انتشارات

۳- معرفی و نقد و بررسی مجلات و روزنامه‌ها

۴- معرفی توسط مراکز تخصصی و تحقیقاتی

۵- معرفی توسط متخصصین و صاحب‌نظران

۶- تیتراژ بالا و چاپ های متعدد

گفتار سوم

۶- روش های مطالعه روش ورود و خروج به یک کتاب»

۷- ویژه گی های روش مطالعه مبتنی بر فلسفه نظام ولایت

۷-۱- موضع گیری غیر انفعالی

۷-۲- قدرت اعمال نقد، نقض و طرح

الف- نقد

ب- نقض

ج- طرح

۷-۳- حرکت بسمت استقلال فرهنگی

گفتار چهارم

۸- روش خطی

۸-۱- معایب روش خطی

۸-۲- خلاصه و نتیجه گیری

گفتار پنجم

۹- روش تالیفی

۹-۱- تعریف روش تالیفی

۹-۲- مراحل اجرایی روش تالیفی

۱- تعیین موضوع اصلی کتاب

۲- استناد راج تعاریف بر اساس نسبت سنجی فهرست با موضوع

۳- تجزیه تعاریف بر اساس فهرست کتاب

۴- ترکیب سازی

۹-۳- بکارگیری روش تالیفی در یک مصداق (منطق صوری)

الف فصل مقدمات

ب- فصل کلیات

ج- فصل قضایا

د- فصل جهت و استدلال

ه- فصل صورت و ماده

۹-۴-۹- ارزیابی روش تالیفی

۹-۴-۱- محاسن روش تالیفی

۹-۴-۲- معایب روش تالیفی

گفتار ششم

۱۰- روش نسبت سنجی تام

۱۰-۱- تعریف روش نسبت سنجی تام

۱۰-۱-۱- ویژگی در سطوح مطالعه

۱۰-۲- تفاوت روش تالیفی و نسبت سنجی :

۱۰-۳- روشهای مطالعه کتابخانه‌ای (جدول شماره ۱)

۱۰-۴- مراحل روش نسبت سنجی تام (جدول شماره ۲)

۱۰-۵- مراحل اجرایی روش نسبت سنجی تام

مرحله اول - تعیین موضوع

مرحله دوم - بهینه سازی فهرست کتاب در سطح محوری

مرحله سوم - بهینه سازی فهرست کتاب در سطح فرعی

مرحله چهارم - بهینه سازی فهرست کتاب در سطح تبعی

۶-۱۰- مقاطع مطالعه (جدول شماره ۳)

نقد

نقض

طرح

۷-۱۰ بکارگیری روش نسبت سنجی تام در یک مصداق عینی (منطق صوری)

مرحله اول: تعیین موضوع

مرحله دوم: بهینه سازی فهرست کتاب در سطح محوری

مرحله سوم: بهینه سازی فهرست کتاب در سطح فرعی

مرحله چهارم بهینه سازی فهرست کتاب در سطح تبعی

بسمه الله الرحمن الرحيم

فصل اول:

۱- مقدمه :

امروزه مطالعه کردن به عنوان یک فن تلقی می‌شود بطوریکه متخصصین تعلیم و تربیت با ابداع روشهای متفاوت مطالعه، سعی دارند که با آشنا نمودن دانش پژوهان به اینگونه روشها آنها را در امر یاد گیری، یاری نمایند. اساسی ترین سئوالی که در تدوین روش مطالعه «در بدو امر، مد نظر متخصصین، قرار می‌گیرد، این سئوال است که چه کار کنیم تا بهتر مطالعه کنیم؟ و با اینکه چگونه بهتر مطالعه کنیم؟ در همین راستا ست که، شیوه‌های مختلف مطالعه و برنامه ریزیهای آموزشی تدوین می‌گردد. در این روشها، متغیرهای متعددی از قبیل زمان، مکان و محتوای دروس، انگیزه‌های فردی و اجتماعی و حتی متغیرهای فیزیکی مثل نور، صدا و غیره..... مورد توجه قرار می‌گیرد و بر همین اساس نیز توصیه‌های کارشناسی ارائه می‌گردد تا کارائی مطالعه را در فراگیران به حداکثر ممکن برساند.

اما باید توجه داشت که در اتخاذ شیوه مطالعه، مهمتر از چگونگی مطالعه، توجه به هدف مطالعه است در واقع هدف از مطالعه است که شیوه و نوع آن رامعین می‌نماید. اگر هدف از مطالعه حفظ و بیخاطر سپاری یکسری مفاهیم که نتیجه آن کسب نمره و یا موفقیت در یک آزمون ورودی باشد، تحقیقاً شیوه و روش مطالعه با زمانی که هدف مطالعه به تحلیل کشاندن یک مجموعه و نقد و بررسی آن و یا پردازش یک تئوری است متفاوت خواهد بود.

آنچه که در حال حاضر به عنوان شیوه مطالعه ارائه می‌گردد بعلت عدم توجه جدی به استقلال فرهنگی در اهداف برنامه ریزیهای خرد و کلان آموزشی از نازلترین سطح

روش مطالعه برخوردار است و در نتیجه بکارگیری آن نیز جز به انفعال کشاندن فراگیران در مطالعه کتب، خصوصاً کتب تخصصی نخواهد بود. از این جهت است که در مطالعه کتاب نیاز به روشی است که در مواجهه با ابزارهای فرهنگی غرب، خصوصاً کتب و نشریات علمی ما را به موضع انفعال نکشاند.

اگر یک کتاب مرجع که حاوی یک مجموعه مفاهیم است، بنخواهد مورد نقد و بررسی قرار بگیرد و مفاهیم آن دگرگون بشود قطعاً نیازمند روش «است روشی که مبانی فلسفی آن قبلاً به اثبات رسیده باشد و در مصادیق عینی و خارجی نیز قدرت جاری و ساری شدن را داشته باشد.

در حال حاضر چنین روشی مدون نشده است هر چند که ممکن است بعضاً بصورت فردی مورد استفاده قرار گیرد اما بصورت روشی قاعده مند که بتواند در اختیار محققین قرار گیرد وجود ندارد.

در تعیین ضرورت روش و کارایی آن در رسیدن به اهداف مطالعه مثالی بیان می‌شود:

در زمانهای گذشته بسیاری از علوم از جمله مفاهیم ریاضی در نسبیت انیشتین دارای پیچیده گی های بودند که مفاهیم آنها تنها در شأن افرادی خاص بود و در حیطه درک عموم نمی‌گنجید اما با گذشت زمان و ابداع انواع روشها و ابزارها سرعت انتقال این مفاهیم افزایش یافته است و امروزه، علاقه مندان و پژوهشگران براحتی می‌توانند به این مفاهیم دسترسی داشته و در حل مسائل مبتلا به خود استفاده کنند.

این نوشتار بدنبال تبیین روشی نظاممند است که به فراگیران و محققان این امکان را می‌دهد که با استفاده از آن در حداقل زمان ممکن بر مفاهیم مورد نظرشان مسلط شوند، آنها را به نقد و بررسی بگذارند و بتوانند مفاهیم آن را در یک غالب جدید قرار داده و نظم جدیدی بر آن حاکم نمایند. چنین روشی توان موضع گیری غیر انفعالی را در اختیار محققین قرار می‌دهد.

۲- ضرورت روش مطالعه در مدیریت تحقیقات

اگر محقق با بکار گرفتن روشی خاص بخواهد به یک مبحث علمی بپردازد و در یک موضوع کارشناسی و تخصصی مثلاً مدیریت، ریاضیات، روان شناسی، پزشکی و... نظر بدهد، بر اساس روش های معمول قاعده براین است که در ابتدا باید چندین دوره آموزشی تخصصی و کارشناسی را فرا بگیرد و با موفقیت از عهده آزمونهای آن برآید. اما یک محقق که می‌خواهد مدیر تحقیقات باشد، نمی‌تواند دوره های تخصصی متفاوتی را بگذراند تا قدرت اظهار نظر پیدا کند از طرف دیگر او می‌خواهد مشاوره اصلی را در مدیریت یک پروژه تحقیقاتی نیز ارائه کند. اگر بخواهد بدون داشتن توان علمی و قدرت دخل و تصرف در آن علم به اظهار نظر بپردازد، پذیرفتنی نیست علاوه بر این، گذراندن دوره های تخصصی طولانی مدت نیز مقدور نخواهد بود. در این قبیل مواقع محقق یا مدیر تحقیقات باید قدرت تجزیه و ترکیب سازی جدیدی را بر اساس یک روش قانونمند و منطقی داشته باشد به نحوی که بتواند در حداقل زمان، بر مفاهیم مسلط شود. زمانی که چنین عملکرد و توان علمی و فرهنگی در محقق ایجاد شد چنین فعلی موجب شکستن فرهنگ نظام مقابل می‌شود و بتدریج به این روش «تولی پیدا خواهد شد

اگر محقق با استفاده از روش «ورود به یک مبحث علمی، بدون گذراندن دوره های آموزشی طولانی مدت بتواند در رشته‌ای تخصصی، مفاهیم اصولی آن علم را بصورت منطقی بشکند و قدرت تجزیه و تحلیل و ترکیب سازی جدید در آن مفاهیم را بدست آورد، این توانایی موجب موضع گیری غیر انفعالی می‌شود و نظام مقابل را به عجز می‌کشانند. این روش چون قدرت دخل و تصرف در مطالب را دارد بتدریج پذیرفته شده و در امور مطالعاتی جاری خواهد شد. این پذیرش به این علت تحقق می‌پذیرد که فرهنگ نظام مقابل نیز در پی عدم انفعال است، وقتی که نسبت تأثیر این روش بصورت عینی مشاهده شد به آن متمسک خواهد شد. همانگونه که در مورد تکنولوژی گفته

می‌شود، مرزی وجود ندارد اگر کره‌ایها، تکنولوژی برتری را وارد بازار کردند، حتی تکنولوژی آمریکا را کنار خواهند زد. در مورد ارائه یک تفکر جدید نیز این موضوع مضداق دارد.

اگر نظام فکری جدیدی ارائه شود که بصورت برتری، قدرت تسلط و حکومت بر اندیشه‌ها را داشته باشد، اینگونه نخواهد بود که همیشه فرهنگ نظام خاصی، مثلاً آمریکا مسلط باشد، یقیناً نظام فکری که برتر است و در عینیت نیز قدرت حضور دارد می‌تواند تسلط و حکومت پیدا کند.

۳- «فلسفه ولایت در روش مطالعه»

در هر کار مطالعاتی که انجام می‌شود باید در آن حفظ موضوع کرد، در غیر اینصورت، تسلط و حاکمیتی بر موضوع ایجاد نمی‌شود. حفظ موضوع یعنی اینکه بر اساس یک مبنا و اصول به سراغ موضوعات برویم البته این مبنا و اصول را در ابتدا باید بصورت منطقی و عقلی بپذیریم و زمانی که آنرا پذیرفتیم در تمامی مراحل کار و فعالیت های پژوهشی جاری کنیم. نباید بپذیریم که برای ما حادثه سازی کنند و ما دنباله رو باشیم موضع گیری انفعالی و غیر انفعالی همین است، در موضع گیری انفعالی ما بر اساس حادثه هایی که ایجاد شده حرکت می‌کنیم اما در موضع گیری غیر انفعالی اینگونه عمل نمی‌شود.

وقتی که به موضوعی ایمان آوردیم باید آنرا وارد نظام کنیم. در فلسفه نظام ولایت زمانی که به آن ایمان پیدا شد و حساسیت ها تغییر پیدا کرد باید این اعتقاد وارد نظام شود، زمانی که این اعتقاد به نظام تبدیل شد دو بعد پیدا می‌کند، یکی بعد تمثیلی و دیگری بعد عینی است، فردی که معتقد به فلسفه نظام ولایت است باید آنرا وارد نظام کند و با نظام فرهنگ مقابل درگیر شود، این بعد تمثیلی است، وقتی که در تمام سطوح بانظام مقابل درگیر شد و آنرا شکست، باید بتواند بر اساس فلسفه نظام ولایت مطلب بنویسد و موضوعات مربوطه را تدوین نماید، این بعد عینی است. (فلسفه نظام ولایت در جای خود به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است).

در این مبحث روشی ارائه می‌گردد که محققین و مدیران تحقیقاتی بتوانند با استفاده از شیوه‌ای نظاممند، مبتنی بر فلسفه نظام ولایت بر علوم مسلط شوند، علاوه بر آن قدرت حکومت بر آنها را نیز بدست آورند.

۴- اهداف روش مطالعه در فلسفه نظام ولایت»

اهداف این روش به شرح ذیل عبارتست از:

- ۱- موضع گیری غیر انفعالی در برخورد با مفاهیم فرهنگ مهاجم غرب و شرق
 - ۲- تسلط بر مجموعه مفاهیمی که در غالب یک کتاب یا مقاله ارائه می‌شود.
 - ۳- نقد و بررسی کتاب و آشنایی به نقاط ضعف و قوت آن .
 - ۴- تغییر دادن نظم حاکم بر مفاهیم ارائه شده.
 - ۵- حاکم کردن یک نظم جدید بر مفاهیم .
- اهداف فوق تحت پوشش یک هدف اصولی تر قرار دارند و آن کسب استقلال فرهنگی در مقابل با فرهنگ مهاجم غرب است. استقلال فرهنگی بر اساس شیوه تعقل و کنترل احتمالات و تئوری پردازی انجام می‌پذیرد و نه بر اساس محفوظاتی که از فرهنگ غرب و شرق وارد شده باشد.

جهت دستیابی به اهداف فوق موارد زیر قابل توجه است :

- ۱- برنامه ریزی جهت مطالعه در سطوح و مراحل مختلف.
- ۲- روش صحیح مطالعه و افزایش سرعت مطالعه (حداقل زمان و حداکثر بهره‌وری علمی)

۳- نحوه صحیح یاد داشت برداری

۳-۱- توجه به امهات کتاب

۳-۲- حذف مطالب انحرافی و ابهام انگیز

در ادامه بحث قبل از پرداختن به روش مطالعه به روش منبع یابی می‌پردازیم.

گفتار دوم

۵- «روش منبع یابی»

یکی از مباحثی که در روش مطالعه و تحقیقات کتابخانه‌ای مد نظر است، چگونگی انتخاب کتاب مناسب است. معمولاً محققین یا مدیران تحقیقاتی در زمینه های پژوهشی خود با منابع علمی متعددی مواجه خواهند شد که انتخاب مناسب ترین کتاب توجه به اهداف مورد نظر امری ضروری است و هر گونه اشتباه در انتخاب منبع، محققین و یامدیران تحقیقاتی را به ابهام خواهد کشاند. به منظور اجتناب از این موارد، ملاک های انتخاب کتاب مناسب بشرح ذیل ارائه می گردد.

۱-۵- معیارهای انتخاب منبع»

اصولاً روش مطالعه کتابخانه‌ای، فرآیندی است که از سه مرحله تشکیل می گردد:

۱- روش منبع یابی ۲- روش ورود به منابع (کتاب) ۳- روش نقد

از آنجائیکه این مجموعه بیشتر مبحث روش ورود به منابع علمی را در نظر قرار داده است لذا حجم بیشتری از مطلب به مبحث روش ورود به منابع اختصاص یافته است معهدا به دلیل اهمیت بحث منبع یابی اشاراتی به ملاک های انتخاب منبع (کتاب مناسب) ارائه می گردد.

۱-۱-۵- پذیرش کتاب در فرهنگ عمومی جامعه:

یکی از ویژه گیهای اصلی در انتخاب یک منبع تحقیقاتی آنست که در فرهنگ عمومی جامعه وارد شده باشد. اگر در کتابی مشاهده شد که ضرورت، هدف، موضوع و مبانی نظری یک علم بیان شده است شاید در ابتدا به نظر برسد که چنین کتابی منبع

مناسبی است و برای مباحث نظری کتاب مبنایی است مثلاً در علم مدیریت، کتاب مردم در سازمانها» از این جهت منبع بسیار مناسبی است اما چون در فرهنگ عمومی مردم وارد نشده و مورد نظر متخصصین و کارشناسان حرفه‌ای نیست، منبع معتبری محسوب نمی‌شود و باید به کتاب دیگری که مورد استقبال عمومی جامعه قرار گرفته باشد مراجعه کرد.

برای مثال کتاب رفتار سازمانی» در فرهنگ عمومی جامعه پذیرفته شده است و به عنوان یک کتاب کاربردی و علمی در مدیریت مورد تأیید متخصصین و کارشناسان قرار گرفته است.

بدین ترتیب در انتخاب منابع تحقیقاتی توجه به جنبه‌های کاربردی و تخصصی کتاب و پذیرش فرهنگ عمومی جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اگر منابع انتخابی صرفاً کتاب‌های نظری و تئوریک باشند و از لحاظ نظری نیز مورد نقد و بررسی قرار بگیرند در واقع نویسندگان و مؤلفین این قبیل کتب را یاری کرده‌ایم، به تعبیر دیگر با تبیین نواقص و معایب نظری کتاب، مؤلفین را در رفع نواقص راهنمایی کرده‌ایم و نیازهای واقعی که مبتلا به مسائل عملی و کاربردی هستند مورد غفلت قرار داده‌ایم.

به تعبیری دیگر، عموم مردم و حتی متخصصین، بعلت اینکه مباحث نظری، موضوع کار آنها نیست، علاقه‌ای به آنها نشان نمی‌دهند و پرداختن به این موضوعات را که با مسائل آنها ارتباط مستقیمی ندارد امری غیرضروری و بدون کار برد می‌دانند در صورتی که مراکز آکادمیک و فرهنگستانی به این مباحث توجه بیشتری می‌کنند.

بدین ترتیب در انتخاب یک منبع تحقیقاتی ویژگی اصلی که بایستی مورد توجه محقق قرار بگیرد، پذیرش آن در فرهنگ عمومی جامعه است. کتابی که بصورت کاربردی و عملی مورد استفاده متخصصین قرار می‌گیرد و راه کارهای عملی از آن استنباط می‌شود.

از ملاک های دیگری که در انتخاب کتاب می تواند مد نظر قرار گیرد بشرح زیر عبارتند از:

۱- نویسنده کتاب: در هر جامعه معمولاً برخی از نویسندگان به عنوان چهره های شاخص و مطمئن شناخته می شوند که به دلیل سابقه علمی و یا تخصص و تجربه زیاد نسبت به کتابهای آنان اطمینانی ایجاد می شود و همین امر باعث می شود که کتابهای آنان جهت مطالعه مورد اقبال جامعه قرار گیرد.

۲- انتشارات: اساساً موسسات انتشاراتی در هر کشور به عنوان یک مرکز فرهنگی محسوب می شوند بسیاری از موسسات و انتشارات دولتی و خصوصی تنها به موضوعات خاصی توجه دارند و فعالیتهای انتشاراتی خود را در این زمینه ها متمرکز می کنند و مردم متناسب با سابقه رشته های تخصصی و فعالیت های انتشاراتی به آنها اطمینان می کنند و کتابهایی که توسط اینگونه ناشران به طبع می رسد مورد اقبال قرار می گیرد.

۳- معرفی و نقد و بررسی مجلات و روزنامه ها:

پس از چاپ هر کتاب، شاهد معرفی همراه با نقد و بررسی آن در جراید و رسانه های مختلف هستیم. معمولاً زمانی که کتابی مورد توجه و تأیید منتقدان و متخصصین قرار می گیرد اعتباری برای کتاب محسوب می گردد که موجب استقبال خوانندگان قرار می گیرد.

۴- معرفی توسط مراکز تخصصی و تحقیقاتی

بعضی از مراکز تخصصی و علمی که بخش بررسی آثار دارند کتب برگزیده ای را به مخاطبین خود معرفی می نمایند. بر این اساس اگر کتابی توسط چند مرکز معتبر معرفی شود به عنوان کتاب مفید، توسط خوانندگان مورد توجه قرار می گیرد.

۵- معرفی توسط متخ

صصین و صاحب نظران

متخصصین در مطالعات خود کتب معتبر و مفیدی را انتخاب کرده و به دانش پژوهان و علاقه‌مندان معرفی می‌کنند. این شاخصه در انتخاب کتاب‌های تخصصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۶- تیتراژ بالا و چاپ‌های متعدد:

یکی دیگر از ملاک‌های مورد توجه در انتخاب کتاب‌های مناسب و خوب میزان استقبال از یک اثر است که با تیتراژ و چاپ‌های متعدد قابل تشخیص می‌گردد. وقتی کتابی با تیتراژهای بسیار بالا به چاپ‌های دهم یا بیشتری رسیده باشد این ملاک بسیار خوبی است که کتاب در فرهنگ عمومی جامعه مورد پذیرش قرار گرفته است. برای مثال اگر ما بخواهیم کتابی را در زمینه علوم تجربی مثل پزشکی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و یا روانشناسی و غیره.... مورد نقد و بررسی قرار دهیم در این زمینه کتاب‌های زیادی در بازار وجود دارد که محقق باید بتواند، کتاب مناسب را انتخاب نماید.

ملاک‌های فوق‌الذکر محقق را در این زمینه یاری می‌نماید. طبیعی است که یک کتاب به هر اندازه که از ملاک‌های شش‌گانه فوق‌الذکر برخوردار باشد، امتیاز بالاتری در انتخاب به خود اختصاص می‌دهد.

گفتار سوم

۶- «روش‌های مطالعه روش ورود و خروج به یک کتاب»

در بخش قبل به روش منبع یابی پرداخته شد و ملاک‌های انتخاب یک کتاب مناسب معرفی شد. پس از آنکه یک محقق کتابی را مناسب تشخیص داد با تعیین اهداف تحقیقاتی خود شروع به مطالعه می‌نماید. برای رسیدن به اهداف تحقیقاتی که قبلاً در پیشگفتار بیان شد روشهای متعددی قابل ارائه است که در این بخش از گفتار، به بیان آنها می‌پردازیم و هر کدام را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم تا بهترین شیوه را ارائه نماییم. لازم به تذکر است، اگر چه مقاله حاضر مترصد ارائه یک روش جامع و مانع در ورود و خروج به یک منبع علمی است. بنحوی که اهداف خاصی را محقق سازد. معهذا بعلت جدید بودن مطالب مدعی ارائه روش شایسته و بایسته نیست و مطمئناً در نوشتارهای بعدی با توجه به تجارب علمی و مباحث نظری، توسعه بیشتری خواهد یافت.

قبل از پرداختن به مبحث روش یک سؤال قابل بررسی است.

چه کار کنیم تا بهتر مطالعه کنیم؟

در بخش پیشگفتار، در ارتباط با سؤال فوق توضیحاتی ارائه گردید و گفته شد که محققین در پاسخ به این سؤال که چه کار کنیم تا بهتر مطالعه کنیم؟ ساز و کارهایی را ارائه می‌کنند تا سطح یادگیری فراگیر را افزایش دهند.

معمولاً توصیه‌های زیر به عنوان نکات اصلی در مطالعه صحیح پیشنهاد می‌گردد. اگر چه این نکات مد نظر این مقاله نیست معهذا جهت اطلاع به صورت فهرست وار به آن اشاره می‌شود در ضمن نکات ضعیف آن نیز بیان می‌شود.

۷- «ویژگیهای روش مطالعه مبتنی بر فلسفه نظام ولایت»

۷-۱- موضعگیری غیر انفعالی

۷-۲- قدرت اعمال نقد، نقض و طرح

۷-۳- حرکت به سمت استقلال فرهنگی

در اینجا به اختصار شرح ویژگیهای روش مطالعه در فلسفه نظام ولایت ارائه می‌گردد.

۷-۱- «موضع گیری غیر انفعالی»

یکی از ویژگی های روش مطالعه در فلسفه نظام ولایت، موضع گیری غیر انفعالی در یک مقابله فرهنگی است. اگر روش ورود به یک مجموعه فرهنگی (کتاب، مقاله) از موضع ضعف باشد و محقق بصورت دست و پا بسته وارد کتاب شود و اسیر نظام مفاهیم فرهنگ مقابل باشد، عملاً از همان ابتدا در موضع انفعال قرار می‌گیرد و محتوای کتاب، تسلط فکری و فرهنگی خود را بر او اعمال می‌کند. این یک فرایند اجباری است که محقق خواسته یا ناخواسته تسلیم آن است مگر آنکه او از ابتدا بصورت قاعده مند به مفاهیم کتاب بر خورد کند و به یکباره تحت سلطه فرهنگی و فکری آن قرار نگیرد این شکل بر خورد موجب عدم انفعال می‌گردد.

برای بدست آوردن موضع غیر انفعالی، قبل از ورود به کتاب باید فکر و برنامه ریزی کرد.

در موضع غیر انفعالی توجه به این امر از این جهت مهم است که محقق از یک طرف بدنبال کسب اطلاع و جمع آوری آراء و نظرات هزاران ساله بشر در طول تاریخ نسبت به یک موضوع خاص است و از طرف دیگر نمی‌خواهد صرفاً یک مصرف کننده باشد او می‌خواهد همزمان با آشنایی به نظرات دیگران، افکار خود را نیز به جریان بیاورد و بدنبال راه کارهایی باشد که نیاز حال و آینده او را پاسخگو باشد.

اینگونه عمل کردن نیاز به روش دارد و به نظر می‌رسد چنین ویژه‌گی منحصر به روش مطالعه بر اساس فلسفه نظام ولایت باشد.

۲-۷- قدرت اعمال نقد، نقض و طرح

همانگونه که در سطور اخیر ذکر شد روش مطالعه معمول، اهداف آرمانی خود را در یادگیری هر چه بهتر مطالب خلاصه می‌کند، در حالی که در روش مطالعه بر اساس فلسفه نظام ولایت این سطح از یادگیری نازلترین سطح از مطالعه است. محقق پس از اینکه با استفاده از «روش» به مفاهیم کتاب مسلط شد، به نقد و نقض و طرح می‌پردازد که به توضیح آنها می‌پردازیم.

الف - نقد: روش شناسایی و ارزیابی کار آمدی و اثبات ناهنجاری از طریق ملاحظه نسبت بین موضوعات و مصادیق خارجی است که منجر به نقد روبنا می‌شود. محقق پس از تسلط بر مفاهیم یک کتاب در مقطع نقد با ملاحظه نسبت بین موضوعات و مصادیق خارجی به ارزیابی کار آمدی و اثبات ناهنجاریهای کتاب می‌پردازد و عملاً آنرا مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. در مقطع نقد مفاهیم روبنایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

ب - نقض: روش شناسایی و ارزیابی کار آمدی از طریق اثبات نسبت جدید که منجر به تأسیس مبنای جدیدی در تحقیق می‌گردد.

محقق پس از نقد مفاهیم روبنایی کتاب به نقض آن می‌پردازد. در مقطع نقض کتاب، محقق از طریق ملاحظه نسبت و ساختارهای جدید، مفاهیم زیر بنایی را در کتاب متحول می‌سازد و از این طریق به اثبات ناهنجاریهای کتاب می‌پردازد.

ج - طرح: روش شناسایی و ارزیابی کار آمدی از طریق اثبات نسبت جدید که منجر به تأسیس مبنای جدیدی در مفاهیم شود، اطلاق می‌شود. در مقطع طرح محقق بانیشان دادن ناهنجاریهای روبنایی و زیر بنایی کتاب به اثبات نسبت های جدیدی

در کتاب می پردازد که نهایتاً به تأسیس مبنای جدیدی در کتاب می‌گردد و و عملاً نظم
مفاهیم کتاب شکسته می‌شود و نظم فکری جدیدی بر آن حاکم می‌گردد.

۳-۷ حرکت به سمت استقلال فرهنگی

از ویژگی عمده «روش» در فلسفه نظام ولایت، حرکت در جهت استقلال فرهنگی است. استقلال فرهنگی تنها زمانی محقق می‌گردد که در فرهنگ موضع انفعال وجود نداشته باشد. از نقش مصرف‌کننده فرهنگی خارج شده و به تولیدکننده مفاهیم فرهنگی تبدیل شویم.

این امر با استفاده از روش میسر است، که قدرت نقد، نقض و طرح داشته باشد و بتواند تحقیقاتی را از سطح تألیف به تصنیف و از تصنیف به تأسیس سوق دهد، و ما تا در فرهنگ به مرحله تأسیس نرسیم عملاً در موضوع استقلال فرهنگی قرار نگرفته‌ایم و «روش مطالعه» مبتنی بر فلسفه نظام ولایت «بدنبال تأسیس مفاهیم جدید در راستای استقلال فرهنگی است».

گفتار چهارم

۸- روش خطی

برای رسیدن به اهداف مطالعه بر اساس فلسفه نظام ولایت، روشهای مطالعاتی مختلفی قابل طرح است اولین روشی که به ذهن می‌رسد و یکی از روشهای رایج در مراکز علمی و تحقیقاتی است، روشی است که به آن «روش خطی» اطلاق می‌شود. روش خطی روشی است که در آن یک فرآیند از قبل طراحی شده طبق الگوهای مشخص از ابتدا تا انتها طی شود.

شیوه کار مطالعاتی با استفاده از این روش بدینگونه است که محقق ابتدا با استفاده از روش منبع یابی با در نظر گرفتن ملاک های مذکور یک منبع مطالعاتی را انتخاب می‌کند. پس از انتخاب منبع یا کتاب آنرا از ابتدا تا به انتها با دقت مورد مطالعه قرار می‌دهد. محقق به منظور مسلط شدن بر مفاهیم کتاب متناسب با حجم کمی و کیفی آن به تنهایی یا تحت نظر یک متخصص و کارشناس خبره به مطالعه کتاب می‌پردازد. پس از این مرحله در صورتی که محقق مفاهیم را فرا گرفته باشد به نقد و بررسی آن همت می‌گمارد. برای مثال اگر محقق بخواهد در زمینه خاصی مطالعه داشته باشد کتاب A تألیف آقای X بدلیل برخورداری از ویژگیهای که مورد نظر محقق است انتخاب می‌شود و از ابتدا مطالب سطر به سطر به صورت مرتب و منطبق با فهرست عناوین، مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا بر مفاهیم کتاب تسلط ایجاد شود. در صورتیکه در این مرحله یادگیری بخوبی انجام پذیرد و محقق از طریق مناظره با اساتید فن و متخصصین مربوطه این احساس و اعتماد را پیدا کند که مفاهیم را دریافته است در مرحله بعد می‌تواند کتاب را مورد نقد و بررسی قرار دهد نقد کتاب نیز با همان روش خطی انجام می‌پذیرد بدینگونه که محقق مطالب را بر اساس فهرست و عناوین کتاب

یکی یکی مطرح کرده و آنها را به نقد می‌گذارد در مقابل هر مقاله و موضوع نقدی بر آن وارد می‌کند.

در اینجا این سؤال مطرح است .

۱- آیا با بکارگیری روش خطی تسلط بر مفاهیم ایجاد خواهد شد؟

۲- تسلط شدن بر مطالب در حداقل زمان ممکن است ؟

۳- آیا موجب موضع‌گیری غیر انفعالی می‌گردد؟

۴- قدرت حکومت بر مفاهیم را ایجاد می‌کند؟

۵- آیا در جهت استقلال فرهنگی و تولید مفاهیم جدید بر اساس نیازهای جامعه

اسلامی و نظام ولایت کمکی می‌کند؟

اگر به دست آوردهای چند صد ساله بکارگیری این روش در مراکز علمی و تحقیقاتی بنگریم، تحقیقاً به این نتیجه خواهیم رسید که پاسخ به این سؤالات منفی است. در فرآیند کسب دانش و یادگیری این مؤلفه‌ها قابل توجه است که بشر دارای اندیشه است، می‌اندیشد. دارای قدرت محاسبه است، نسبت سنجی می‌کند و براین اساس به مفاهیم جدید می‌رسد. بنابراین متناسب با نیازها و خلاءهای فرهنگی که در جامعه پیش می‌آید باید مفاهیم جدیدی را تولید کرد. لازم نیست که از ابتدا حفظ کرد بایستی بر روی موضوعات فکر کرد. و از اصطلاحات و تعابیر تخصصی نظام فرهنگ مقابل نه‌راسید اگر تنها بدنبال تتبع بود، باید سالهای متمادی تلمذ پیشه کرد و معلوم هم نیست که در آخر بر مطلب تسلط شد و از این ره توشه‌ای بدست آورد یا خیر؟

روش خطی روشی کاملاً پیرو و انفعالی است که فراگیر را خواسته یا ناخواسته به انفعال می‌کشاند و حتی در موضوع نقد و بررسی نیز این ضعف قابل مشاهده است . روش خطی در ورود به یک علم یا منبع علمی، حداکثر دست آوردی که برای فراگیر پس از سالها ممارست و تمرین ببار خواهد آورد کسب اطلاعاتی مصرفی در

یک رشته از مجموعه معارف بشری است و از آنجا که این علم و تخصص کاملاً مصرفی است و فرد فراگیر کمتر تصرفی در آن ندارد یقیناً فراگیر را در موضع انفعال قرار می‌دهد.

علاوه بر این با توجه به گستردگی و توسعه‌ای که در علوم وجود دارد و حتی گستردگی مفاهیمی که در یک کتاب ارائه شده است نیاز به روشی است که بتواند مجموع اطلاعات و مفاهیم را به نظم واحد در آورد و کثرات موضوعات و مفاهیم را در یک نظم جدید، حول یک محور واحد هماهنگ سازد. روش خطی بعلت نداشتن توان «مجموعه نگری» از شناخت پدیده‌ها از هماهنگ سازی اطلاعات حول یک محور واحد عاجز است.

و نهایتاً اینکه چنین روشی بعلت ضعف‌هایی که ذکر شد نمی‌تواند در راستای استقلال فرهنگی گامی بردارد و به علت «پیرو» بودن قدرت تولید مفاهیم را نداشته و نمی‌تواند در موضع فرهنگی «پیشرو» باشد.

بطور خلاصه معایب روش خطی را می‌توان بشرح زیر بر شمرد:

۱-۸- معایب «روش خطی»

- ۱- تسلط بر علوم حاصل نشده و نیاز به صرف وقت و هزینه زیادی است.
- ۲- موجب موضع گیری انفعالی می‌گردد.
- ۳- تفکر خلاق و سازنده را از بین می‌برد.
- ۴- قدرت کنترل احتمالات را ندارد و موجب حاکمیت بر علوم نمی‌شود.
- ۵- قدرت هماهنگ سازی اطلاعات را ندارد.
- ۶- در کسب «استقلال و توسعه فرهنگی» کار آیی ندارد.

۲-۸ خلاصه و نتیجه گیری:

مطالعه کتابخانه‌ای با روش خطی مورد بررسی قرار گرفت و معایب آن مختصراً بیان شد. بر اساس مطالب مذکور قابل نتیجه‌گیری است که اهداف مطالعه بر اساس فلسفه نظام ولایت با روش خطی محقق نمی‌شود. لذا روش دیگری باید طرح شود که ویژگی بارز آن شکستن ترتیب خطی مفاهیم فرهنگ مقابل باشد. فرهنگی که معمولاً بصورت یک کتاب، مقاله و یا نشریه در مقابل محقق قرار می‌گیرد و محقق باید بتواند بنحوی وارد این منابع فرهنگی بشود که ترتیب خطی آن‌ها عملاً شکسته شود و بتواند بر اساس موضوع اصلی ترکیب سازی جدیدی را به انجام برساند.

برای تحقق اهداف مطالعه بر اساس فلسفه نظام ولایت روش دیگری تحت عنوان «روش تالیفی» معرفی می‌گردد.

گفتار پنجم

۹- روش تالیفی

در این روش بر خلاف روش خطی، محقق نه تنها مقید به رعایت چهار چوب کتاب و نظم حاکم بر مفاهیم آن نیست بلکه عملاً با استفاده از فهرست به گونه‌ای وارد کتاب می‌شود که بتواند نظم آنرا بشکند اینک این روش تا چه اندازه در این امر موفق است نیاز به بررسی دارد که در ابتدا ضمن تعریف این روش به ارائه مراحل اجرائی آن می‌پردازیم سپس توانائی آنرا در محقق ساختن اهداف مطالعه بر اساس فلسفه نظام ولایت مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

۹-۱- تعریف روش تالیفی :

روش مطالعه تالیفی روشی است که با استفاده از آن یک کتاب با ملاحظه نسبت بین مفاهیم و موضوعات آن با موضوع اصلی کتاب، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب در روش تالیفی، مطالعه یک کتاب یا مقاله و هر مجموعه فرهنگی، بصورت معمول (خطی) انجام نمی‌پذیرد. بلکه از طریق نسبت سنجی مفاهیم و موضوعات با عنوان اصلی کتاب، مطالعه به انجام می‌رسد. قابل ملاحظه است که هر کتاب دارای فهرستی است که بیانگر موضوعاتی که در آن کتاب آورده شده است می‌باشد و از طریق فهرست و نسبت سنجی عناوین و فصول با موضوع اصلی، ورود به کتاب و مطالعه آن آغاز می‌گردد و با ارائه یک فهرست جدید به انجام می‌رسد. این فرآیند (ورود و خروج) از مراحل تشکیل می‌گردد که بشرح آنها می‌پردازیم.

۲-۹- مراحل اجرایی روش تألیفی

- ۱- تعیین موضوع اصلی کتاب
- ۲- استخراج تعاریف بر اساس نسبت سنجی فهرست با موضوع
- ۳- تجزیه تعاریف بر اساس فهرست کتاب
- ۴- ترکیب سازی

۱- تعیین موضوع اصلی کتاب

در روش تألیفی، نخستین قدم در ورود به کتاب، تعیین موضوع است مثلاً اگر کتابی در ارتباط با مدیریت باشد در ابتدا باید دید که موضوع مدیریت چیست؟ و یا اگر در مورد کتاب منطق صوری است. باید دید که موضوع و تعریف منطق صوری چیست؟ اگر در ارتباط با روان شناسی، جامعه شناسی و هر علم و موضوع دیگری است باید در ابتدا دید که تعریف آن چگونه آمده است. در پاسخگویی به این سؤال که موضوع اصلی کتاب چیست؟ به کتاب مراجعه می‌شود گاه در کتاب یک تعریف ساده ارائه شده است. مثلاً اگر در ارتباط با مدیریت چنین تعریفی آمده باشد که مدیریت یعنی فرمان دادن، سرپرستی کردن و یا ممکن است تعاریف بصورت مسبوط تر و پیچیده تری ارائه شده باشد (تعریف مدیریت بصورت مسبوط در صفحات آخر کتاب آمده است). بدین ترتیب تعیین موضوع اصلی کتاب در شروع مطالعه، اصل کار است. تعریف بدست آمده یا بسیط و روشن است و یا اینکه یک تعریف مرکبی ارائه شده است و دارای اجزاء متعددی است. وقتی در قدم اول موضوع مشخص شد تعریف و یا تعاریف مربوط به آن از کتاب استخراج می‌گردد پس از اتمام این مرحله، مرحله دوم آغاز می‌شود.

۲- استخراج تعاریف بر اساس نسبت سنجی فهرست با موضوع

در مرحله دوم پس از تعیین موضوع، فهرست موضوعات با عنوان اصلی کتاب مورد نسبت سنجی قرار می‌گیرند. منظور از نسبت سنجی چنین است که نسبت و

میزان ارتباط موضوعات مندرج در فهرست کتاب با عنوان و موضوع اصلی کتاب مشخص گردد. در این مرحله نسبت موضوعات با عنوان کتاب در سه سطح اصلی، فرعی و تبعی معین می‌گردد.

موضوعات اصلی: موضوعات و مفاهیمی هستند که از سهم تاثیر اصلی در کتاب برخوردار دارند و در ارتباط مستقیم با موضوع اصلی کتاب قرار دارند، به تعبیری دیگر، موضوعاتی هستند که کتاب در مجموع در صدد تبیین و توصیف آنهاست. موضوعات فرعی: موضوعاتی است که از طریق آنها موضوعات اصلی، روشن تر می‌شوند و ذهن مخاطبین را برای درک هر چه بهتر موضوعات مهیا می‌کند. موضوعات تبعی: موضوعات خردی را تشکیل می‌دهند که در کنار موضوعات فرعی به تبیین هر چه بیشتر موضوعات اصلی کمک می‌نماید.

از آنجا که مجموع موضوعات اصلی، فرعی و تبعی کل کتاب را تشکیل می‌دهند لذا از این طریق عملاً کل کتاب مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در مطالعه کتاب و تقسیم بندی مفاهیم و موضوعات آن براساس نسبت سنجی انجام شده ممکن است موضوعاتی مشاهده شوند که ارتباط مشخص و معلومی با موضوع اصلی کتاب نداشته باشند، این قبیل موضوعات نیز در سیر مطالعه توسط محقق مشخص می‌گردند. پس از اینکه موضوعات به صورتی که ذکر شد مشخص گردید، یاد داشت برداری و استخراج تعاریف از کتاب آغاز می‌گردد و برای هر موضوعی، مطالب مربوط به آن استخراج و در طبقه خاص خود قرار می‌گیرد. پس از اتمام این مرحله وارد مرحله سوم یعنی تجزیه تعاریف بر اساس فهرست کتاب می‌شویم.

۳- تجزیه تعاریف بر اساس فهرست کتاب

تجزیه در اینجا به معنی تفکیک مفاهیم مرکب و شامل به مفاهیم خرد و مشمول است، بنحوی که تعاریف مرکب و پیچیده به ساده ترین تعاریف ممکن تقسیم

شوند. این شکل از تجزیه در روش تالیفی بدین صورت انجام می‌پذیرد که بر اساس فهرست کتاب تعاریف مربوطه جمع‌آوری می‌شود. برای مثال، اگر بخواهیم کتاب منطق صوری را بعنوان یک منبع مطالعاتی با روش تالیفی مورد مطالعه قرار بدهیم. در این کتاب در تعریف «منطق صوری» آمده است. «منطق روش صحیح فکر کردن است» این تعریف قابل تجزیه است به دو مفهوم «تفکر» و «معیار صحت».

در ادامه باید دید که تعریف «تفکر» و «فکر کردن» چیست؟

برای پاسخ به این سؤال به فهرست اصلی کتاب مراجعه می‌شود و مبحث فکر کردن انتخاب می‌شود در مبحث تفکر در تعریف آن چنین آمده است.

«تفکر» فرایند حل مسأله است «تفکر حرکت از معلوم به مجهول است» با دنبال

کردن مبحث تفکر به حل مسأله از حل مسأله به مفهوم علم می‌رسیم.

بدین صورت که هر مجموعه سؤال یک رشته علمی را تشکیل می‌دهد و یافته‌های آن به علم خاصی منجر می‌گردد. مثلاً مسائل مربوط به انسان، علم انسان‌شناسی، اگر در ارتباط با معیشت باشد، علم اقتصاد، اگر در ارتباط با سرپرستی باشد، علم مدیریت، اگر در ارتباط با بدن انسان باشد، علم پزشکی را تشکیل می‌دهد.

بدین ترتیب هر موضوعی متناسب با موضوع به اجزاء خود تجزیه می‌شود و برای هر موضوعی یکسری «فیش» تهیه می‌گردد. پس از تعریف فکر کردن، تعریف معیار صحت نیز به مراتب پائین‌تر تجزیه می‌گردد. در بعضی موارد از جمله همین تعریف معیار صحت ممکن است که در کتاب تعاریف دیگری آورده نشده باشد و مؤلف در یک جا با ابهام بحث موضوع خاصی را تمام کرده باشد، که این موضوع مد نظر محقق قرار می‌گیرد. در پایان تجزیه تعاریف به مرحله بعد وارد می‌شویم.

۴- «ترکیب سازی»

تعیین موضوع، استخراج تعاریف بر اساس نسبت‌سنجی فهرست مطالب با موضوع تجزیه تعاریف به اجزاء ساده‌تر، مباحثی بود که در مراحل قبل در روش تالیفی توضیح داده

شد در این مرحله محقق با اطلاعات تجزیه شده‌ای مواجه است که در اثر مطالعه کتاب با روش تألیفی بدست آمده است در این مرحله اطلاعاتی وجود دارد که در ارتباط با موضوع اصلی از کتاب استخراج شده اند، اما هنوز به وحدت جدیدی نرسیده اند و لازم است تا محقق اطلاعات بدست آمده را بر اساس یک نظم جدید حول عنوان اصلی کتاب به وحدت برساند این قسمت از کار در مرحله ترکیب سازی انجام می‌پذیرد در ترکیب سازی، تعاریفی که تجزیه شده اند، بطور مرتب بر اساس نسبت‌هایی که با موضوع اصلی دارند، مرتب می‌شوند و فهرست جدیدی از کتاب تدوین می‌گردد.

در ترکیب سازی، موضوعاتی که در کتاب بصورت مبهم آورده شده یا توضیحات به قدر کافی ارائه نشده است مشخص می‌گردد. همچنین موضوعاتی که ارتباط مناسبی با موضوع اصلی کتاب ندارند و مؤلف به دلایلی آنها را با طول و تفصیل بیشتری در کتاب آورده است و موجب سر در گمی خواننده می‌گردد و عملاً در فراگیری مطالب نیز تأثیر مثبتی ندارد، حذف می‌گردند.

در ادامه بحث روش تألیفی در یک مصداق عینی اجرا می‌شود، نمونه مورد نظر کتاب منطق صوری است، این کتاب به دو دلیل انتخاب شد. ۱- اینکه منطق صوری، دارای یک موضوع مشترک است که در تمامی رشته‌های تخصصی مورد بحث قرار گرفته است و می‌تواند از آن استفاده نمایند. ۲- اینک موضوع منطق صوری «روش» است که می‌تواند محقق را با مبانی روش‌شناسی نیز همراه یا اجرای «روش مطالعه» آشنا نماید.

۳-۹ - بکار گیری روش «تألیفی» در یک مصداق (منطق صوری)

به منظور روشن شدن مراحل روش تألیف یکتا « منطق صوری بصورت عینی مورد بررسی قرار می‌گیرد

۱- تعیین موضوع اصلی کتاب:

در مرحله اول : موضوع کتاب مشخص می‌گردد . موضوع این کتاب منطق صوری است.

در تعریف منطق صوری به کتاب مراجعه می‌شود.

در صفحه ۲۰ کتاب در تعریف منطق آمده است ::

منطق علم یا صناعتی است که در آن طرق مختلف انتقال ذهن از معلوم به مجهول آموخته می‌شود، و انتقالات صحیح از انتقالات غیر صحیح متمایز می‌گردد.

منطق علمی است که کیفیت کشف مجهولات را بوسیله معلومات بیان می‌کند و طرق صحیح استخراج مجهول از معلوم را باز می‌نماید و به تعبیر ساده تر علمی است که طریق فکر صحیح (یعنی تعریف صحیح و استدلال صحیح) را می‌آموزد.

۲- استخراج تعاریف بر اساس نسبت سنجی با موضوع

در مرحله دوم، پس از اینکه موضوع مشخص شد، به فهرست کتاب مراجعه می‌شود، در فهرست کتاب عناوین فصول به ترتیب زیر مشخص شده است :

منطق صوری

۱- مقدمات

۲- الفاظ

۳- تصورات

۴- قضایا

۵- جهت یا استدلال

۶- قیاس از نظر ماده

نسبت سنجی به این شکل صورت می‌پذیرد که مطالب مندرج در کتاب و فصول مربوط به آن چگونه ارتباطی با موضع کتاب «روش صحیح فکر کردن» دارد. در این مرحله باید دید، فصل مقدمات، الفاظ، تصورات، و فصول با موضوع کتاب چه ارتباطی دارند؟

الف- فصل مقدمات

این نسبت سنجی به شکل زیر انجام می‌پذیرد ابتدا فصل مقدمات بررسی می‌گردد. مقدمات بعنوان بخش اول کتاب منطق صوری شامل مباحث زیر است

۱- علم و اقسام آن

۲- تصور و تصدیق

۳- فکر و وقوع خطا در آن

۴- تعریف منطق

۵- موضوع منطق

۶- اهمیت و فایده منطق

۷- عقیده طرفداران منطق

۸- عقیده مخالفان منطق

۹- نتیجه

۱۰- مصنف منطق

۱۱- مرتبه منطق

۱۲- ابواب منطق

در مراجعه به کتاب مذکور این مجموعه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از ارزیابی بعمل آمده ملاحظه خواهد شد که موضوعات مطروحه در این بخش از کتاب از نسبت‌های یکسانی با موضوع اصلی کتاب برخوردار نمی‌باشند. با مراجعه به صفحات ۳ و ۸ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۶ و ۳۰ و ۳۵ و ۳۹ و ۴۲ و ۴۶ و ۵۰ کتاب ملاحظه می‌گردد که مباحث محوری در این فصل از کتاب بشرح زیر عبارتند از:

- ۱- تعریف منطق صفحه ۲۰
- ۲- موضوع منطق صفحه ۲۶
- ۳- فایده منطق صفحه ۳۰
- ۴- تفکر و وقوع خطا در آن صفحه ۱۴
- ۵- تصور و تصدیق صفحه ۸

و به همین ترتیب سایر فصول با موضوع اصلی کتاب نسبت سنجی می‌شوند برای نمونه با مراجعه به مبحث الفاظ در صفحه ۶۳ ملاحظه می‌شود که این فصل بیشتر به مباحث ادبی پرداخته است و در رساندن مخاطب به موضوع اصلی بحث منطق بحث انحرافی است که ممکن است ابهامات زیادی را برای فراگیر ایجاد نماید لذا این فصل از کتاب در روش مطالعه تالیفی از مبحث منطق خارج می‌شود.

ب- فصل کلیات

مبحث کلیات یکی دیگر از مباحث کتاب منطق صوری است با مراجعه به صفحات ۷۸ تا انتهای کتاب ملاحظه می‌گردد که این بخش از کتاب مربوط به تصورات است و مباحث مطروحه در این بخش که از اهمیت خاصی برخوردارند و مباحث اصولی آن بشرح زیر عبارتند از:

- مبحث کلیات صفحه ۷۸
- نسب اربع صفحه ۸۵
- کلیات خمس صفحه ۱۰۱

مقولات عشر صفحه ۱۲۵

معرف ۱۵۱

ج- فصل قضایا

بعد از مبحث الفاظ فصل قضایا مطرح است. در صفحه ۴ از جلد دوم کتاب منطق صوری آمده است که قضیه در واقع تعبیر لفظی تصدیق است و دانستن تصدیق در اینجا به منظور آشنائی در سطح محوری با موضوع کتاب کفایت می‌کند.

د- فصل حجّت و استدلال

در فصل حجّت و استدلال صفحه ۱۲۸ از کتاب دوم ملاحظه می‌گردد که استدلال به کشف احکام مجهول بوسیله احکام معلوم و پیچیده ترین و کاملترین عمل ذهنی تعریف شده است و همین عمل ذهن یعنی کشف قضایای مجهول بوسیله قضایای معلوم، حجّت یا استدلال نامیده می‌شود و از اهم مباحث منطقی بشمار می‌رود. در اینجا است که مشخص می‌گردد برای آشنائی با اصل و هسته مرکزی منطق صوری بایستی بحث حجّت و استدلال را مدنظر قرار داد.

ه- فصل صورت و ماده قیاس

فصل آخر کتاب به صورت و ماده قیاس پرداخته است در صفحه ۱۹۵ از کتاب دوم منطق صوری آمده است که «استواری و استحکام و صحت و اعتبار قیاس هم به صحت صورت است، هم به صحت ماده»

براین اساس ملاحظه می‌گردد که حجّت و استدلال قلب منطق صوری است که در آن بحث قیاس از همه مهمتر است و در قیاس نیز حجّت صورت و مواد آن حائز اهمیت است.

بدین منظور باید که مواد مختلف قیاس را مورد توجه قرار داد اما خود مواد نیز از یک سهم تاثیر مساوی در بحث منطق برخوردار نیستند با مراجعه به صفحات ۱۹۶ تا

۲۱۰ ملاحظه می‌گردد که از ۱۴ مورد مطرح شده تنها ۶ مورد است که بیشترین اهمیت را داراست و آنها عبارتند از:

۱- محسوسات

۲- تجربیات

۳- اولیات

۴- متواترات

۵- حدسیات

چنانچه در صفحه ۲۰۵ آمده است که این شش قسم، همه قضایای یقینی اند و در برهان بکار می‌روند و بقیه چون ایجاد یقین نمی‌کنند، بیشتر در آثار ادبی ملاحظه می‌گردند و آثار عاطفی در قبض و یا بسط آن دارند.

با نسبت سنجی فهرست کتاب با موضوع اصلی مشخص می‌گردد که فراگیر برای تسلط بر کتاب بایستی بر چه فصولی توجه بیشتری داشته باشد و چه فصولی از اهمیت کمتری برخوردار هستند و چه مباحثی احتمالاً باعث ابهام و گیجی فراگیر می‌گردد و باید آن را حذف کرد.

مرحله سوم: تجربه تعاریف بر اساس فهرست کتاب

پس از انجام مراحل فوق تعاریف استخراج شده مورد تجزیه قرار می‌گیرند در تجزیه، تعاریف شامل و مرکب به تعاریف جزئی تر تقسیم می‌شوند، نمونه تجزیه در مبحث روش در مرحله دوم با ذکر نمونه از کتاب منطق صوری آمده شده است که به دلیل اطاله کلام از بیان مجدد آن اجتناب می‌شود...

مرحله چهارم: ترکیب سازی

مرحله چهارم ترکیب سازی است، در این مرحله تعاریف استخراج شده در یک نظم جدید قرار می‌گیرند.

و تغییرات جدیدی در فهرست کتاب بر اساس نسبت سنجی ها در مراحل مختلف اجرای روش تألیفی به انجام می‌رسد. مثلاً مقدمه با توجه به نسبتی که با موضوع پیدا می‌کند در بالا قرار می‌گیرد و مبحث الفاظ، با توجه به نسبت کمی که با موضوع پیدا می‌کند در پایین ترین مرتبه قرار می‌گیرد و سایر عناوین نیز متناسب با نسبتی که با موضوع دارند در مرتبه‌های بعد قرار می‌گیرند. هر فصل نیز همانگونه که بیان شد این نسبت سنجی انجام می‌پذیرد و تعاریف با توجه به نسبتی که با موضوع اصلی در کتاب و فصول مربوطه دارند در تقدم و تاخر قرار می‌گیرند. بدین ترتیب فهرست جدیدی از مطالب کتاب تهیه می‌گردد.

۹-۴ - «ارز یابی روش تألیفی»

۹-۴-۱. محاسن روش تألیفی :

- ۱- مطالعه تمام کتاب میسر می‌گردد.
- ۲- وحدت و کثرت حاکم بر کتاب را مشخص می‌نماید.
- ۳- قدرت دخل و تصرف در کتاب را دارد.
- ۴- می‌تواند قاعده قبلی را شکسته و نظم جدیدی بر فهرست و مفاهیم اعمال نماید.

۹-۴-۲. معایب روش تألیفی:

این شیوه علیرقم ویژگی های مثبتی که نسبت به روش خطی دارد، دارای معایبی است که بشرح آن می‌پردازیم. روش تألیفی در ابتدا با توجه به نسبت سنجی که در انتخاب مطالب از موضوع اصلی انجام می‌دهد عملاً روش خطی را می‌شکند و شکل مجموعه نگری به خود می‌گیرد، اما زمانی که وارد مباحث خرد می‌شود، به این دلیل که موضوعات کتاب را مرحله به مرحله بر اساس فهرست کتاب دنبال می‌کند مجدداً به روش خطی متمایل گشته، در نتیجه معایب روش خطی بر آن مترتب می‌شود.

اشکال عمده‌ای که در روش تالیفی وجود دارد در نحوه وارد شدن به مباحث جزئی است و این وارد شدن چون به صورت خطی است و بر اساس فهرست کتاب و عناوین آن انجام می‌پذیرد، باعث می‌شود که تصرفی در موضوعات ایجاد نگردد مثلاً در تعریف منطق به تعریف فکر و از تعریف فکر به تعریف علم و تا به انتها محقق را با خود می‌کشاند و چه بسا که این یک حرکت انحرافی باشد و محقق را در این مسیر دچار سردرگمی نماید. این روش همانگونه که اشاره شد نسبت به روش خطی بسیار عمیقتر است اما هنوز کاملاً نتوانسته نگرش مجموعه‌ای را در تمام مراحل مطالعه کتاب وارد کند لذا «روش» دیگری ارائه می‌گردد که این عیب را بر طرف نماید. روش مطالعه سوم تحت عنوان «روش مجموعه نگر» ارائه می‌گردد.

گفتار ششم

۱۰- «روش نسبت سنجی تام»

در صفحات قبل دو شیوه مطالعاتی «خطی» و «تالیفی» در چگونگی مطالعه یک کتاب یا منبع علمی مورد بررسی قرار گرفت. روش خطی بطور خلاصه بدلیل ۱- موضوعگیری انفعالی در مطالعه ۲- عدم مجموعه نگری و ایجاد هماهنگی در اطلاعات ۳- ناتوانی در توسعه علم در راستای استقلال فرهنگی بطور کلی مردود دانسته شد. روش تالیفی علیرقم محسناتی که نسبت به روش خطی داشت، بدلیل آنکه در عمل متمایل به روش خطی می گردید و طبیعتاً معایب روش خطی نیز بر آن مترتب می شد، مورد قبول قرار نگرفت. عدم موفقیت دو روش فوق در تحقق اهداف مطالعه بر اساس فلسفه نظام ولایت، ضرورت، معرفی روش دیگری را محسوس می نماید. روش سومی که بشرح آن می پردازیم، تحت عنوان روش «نسبت سنجی تام» است.

۱-۱۰- تعریف روش نسبت سنجی تام»

روش نسبت سنجی تام در این مقاله بدین معناست که در ورود به یک کتاب، موضوع اصلی محور مجموعه مباحث کتاب قرار میگیرد و تمام موضوعات در سطح محوری - فرعی و تبعی با موضوع اصلی مورد نسبت سنجی قرار میگیرند. در روش نسبت سنجی تام، «حقوق به میزانی که می خواهد بر مطالب کتاب مسلط شود در سه سطح محوری، تصرفی و تبعی به مطالعه می پردازد.

۱-۱-۱۰- ویژگی های سطوح مطالعه:

- ۱- سطح محوری : سطح محوری کتاب به موضوعات اصلی کتاب اختصاص دارد که در ارتباط مستقیم با عنوان اصلی کتاب قرار می گیرند و معمولاً تسلط اجمالی بر کتاب از طریق مطالعه این موضوعات میسر میگردد.
- ۲- سطح تصرفی: اگر موضوعات اصلی را به درون خودشان تقسیم کنیم و آنها را از درون با موضوع اصلی بهینه کنیم و نسبت سنجی درونی بین موضوعات از بیرون، با موضوع اصلی انجام دهیم و این بهینه سازی را تا فهرست کتاب تعمیم دهیم مطالعه در سطح تصرفی انجام پذیرفته است .
- ۳- سطح تبعی : مطالعه تبعی به مفاهیم بسیار جزئی اطلاق می گردد که ارتباط پاراگراف ها را با موضوعات و فصل ها بر قرار می کند مطالعه سطح فرد معمولاً زمانی انجام می پذیرد که محقق بخواهد یک مفهوم از سطح محوری، تصرفی تا سطوح تبعی و فرد آن مورد مطالعه قرار دهد و جزئیات را مطمح نظر قرار دهد. زمانی که جزئیات کتاب تماماً مورد توجه محقق قرار بگیرد و این سطح مطالعه تا تغییر فهرست و بهینه آن انجام پذیرد، مطالعه تبعی محقق شده است .

۲-۱۰- تفاوت روش مطالعه «تالیفی» و «نسبت سنجی تام»

در روش تالیفی علیرقم اینکه کار با هدف مجموعه نگری شروع می شود اما در مقام عمل این روش به شیوه خطی متمایل می گردد خطی شدن روش تالیفی در مطالعه کتاب بدین صورت انجام میپذیرد که در ابتدا روش مجموعه نگری در ورود به کتاب در نظر گرفته می شود، اما چون این مجموعه نگری و نسبت سنجی با عناوین فهرست کتاب و بهینه سازی آن همراه نمی شود و فهرست کتاب بدون تغییر در مطالعه تالیفی دنبال می شود همان روش خطی، عملاً بر روش تالیفی حاکم می شود. به تعبیری دیگر در روش تالیفی بعلت اینکه از طریق فهرست وارد بحث های فرعی و تبعی می شویم، موجبات سر در گمی و ابهام در محقق می گردد. با توجه به مطالبی که در معرفی سه روش «خطی»، «تالیفی» و «نسبت سنجی» ذکر گردید می توان آن را در جدول زیر تعیین کرد.

۳-۱۰- جدول شماره (۱) روشهای مطالعه کتابخانه‌ای

مقاطع			نقد			نقض			طرح		
سطوح	محوری	فرعی	تبعی	محوری	فرعی	تبعی	محوری	فرعی	تبعی	محوری	فرعی
خطی	نقد	نقد	نقد	نقض	نقض	نقض	-	-	-	-	-
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	خطی	خطی	خطی	خطی	خطی	خطی	-	-	-	-	-
تالیفی	نقد	نقد	نقد	نقض	نقض	نقض	-	-	-	-	-
	محوری	فرعی	تبعی	محوری	فرعی	تبعی	-	-	-	-	-
	تالیفی	تالیفی	تالیفی	تالیفی	تالیفی	تالیفی	-	-	-	-	-
نسبت سنجی تام	نقد	نقد	نقد	نقض	نقض	نقض	طرح	طرح	طرح	طرح	طرح
	محوری	فرعی	تبعی	محوری	فرعی	تبعی	محوری	فرعی	تبعی	محوری	فرعی
	نسبت سنجی	نسبت سنجی	نسبت سنجی	نسبت سنجی	نسبت سنجی	نسبت سنجی	نسبت سنجی	نسبت سنجی	نسبت سنجی	نسبت سنجی	نسبت سنجی

توضیح: روش خطی تنها قادر به نقد و نقض در شکل خطی است.

روش تالیفی قادر است نقد و نقض را در سطوح محوری-فرعی و تبعی به انجام برساند.

روش نسبت سنجی قادر است علاوه بر نقد و نقض به طرح جدید نیز در سطوح سه گانه محوری - فرعی و تبعی بپردازد.

۴-۱۰- جدول شماره ای مراحل روش «نسبت سنجی تام»

مرحله اول	تعیین موضوع
مرحله دوم	بهینه سازی فهرست کتاب در سطح محوری
مرحله سوم	بهینه سازی فهرست کتاب در سطح فرعی
مرحله چهارم	بهینه سازی فهرست کتاب در سطح تبعی

۵-۱۰- مراحل اجرایی روش نسبت سنجی تام

مرحله اول: تعیین موضوع

- ۱- جدا کردن موضوع اصلی کتاب و تبدیل به فیش اطلاعاتی
- ۲- عنوان گذاری فیش اطلاعاتی
- ۳- ویراستاری فیش اطلاعاتی

مرحله دوم: بهینه سازی فهرست کتاب در سطح محوری

- ۱- نسبت سنجی موضوعات با عنوان اصلی در سطح محوری
- ۲- فیش برداری از موضوعات محوری
- ۳- ویراست فیش ها
- ۴- حذف و اضافه فیش ها
- ۵- بهینه سازی فهرست کتاب در سطح محوری

مرحله سوم: بهینه سازی فهرست کتاب در سطح فرعی

۱- نسبت سنجی موضوعات و عناوین فصل‌ها با یکدیگر و موضوع کلی

۲- فیش برداری از موضوعات فرعی

۳- ویراست فیش‌ها

۴- حذف و اضافه فیش‌ها

۵- عنوان گذاری و تهیه فهرست کتاب در سطح فرعی

مرحله چهارم: بهینه سازی فهرست کتاب در سطح تبعی

۱- نسبت سنجی موضوعات، عناوین و فصل‌ها و پاراگراف‌ها به یکدیگر و

موضوع کلی کتاب

۲- فیش برداری پاراگراف‌های تبعی

۳- ویراستاری فیش‌ها

۴- حذف و اضافه فیش‌ها

۵- عنوان گذاری و بهینه سازی فهرست جامع کتاب

۶-۱۰ جدول شماره ۳ مقاطع مطالعه

ضریب	مقاطع	سطوح	موضوع
۱	نقد	محوری فرعی تبعی	روش شناسائی و ارزیابی کار آمدی و اثبات ناهنجاری از طریق ملاحظه نسبت های بین موضوعات که منجر به نقد روبنا در مطالعه کتاب میگردد. این نقد در سه سطح محوری، فرعی و تبعی انجام می پذیرد
۲	نقض	محوری فرعی تبعی	روش شناسائی و ارزیابی کار آمدی و اثبات ناهنجاری از طریق ملاحظه نسبت ها و ساختار کتاب که منجر به نقض رو بنا می شود. این نقض در سه سطح محوری، فرعی و تبعی انجام می پذیرد.
۳	طرح	محوری فرعی تبعی	روش شناسائی و ارزیابی کارآمدی از طریق اثبات نسبت حدید که منجر به تاسیس مبنای جدیدی برای منبع مطالعاتی میگردد. تاسیس در سه سطح محوری، فرعی و تبعی انجام می پذیرد.

شیوه نقد، نقض و طرح در روش نسبت سنجی تام ۹۹ در یک مصداق عینی (منطق صوری) انجام پذیرفته است که شماره های بعد این مقاله به آن می پردازد.

۷-۱۰ - بکار گیری روش نسبت سنجی تام در یک مصداق (کتاب منطق

صوری)

چگونگی بکار گیری روش تالیفی در مطالعه کتاب منطق صوری در فصل قبل توضیح داده شد و معایب آن بصورت عینی ملاحظه گردید. در این قسمت چگونگی بکار گیری روش نسبت سنجی تام در مطالعه کتاب منطق صوری ارائه میگردد ضمناً همانگونه که متذکر شدیم علت انتخاب کتاب منطق صوری بدو دلیل بود: نخست اینکه کتاب منطق صوری دارای موضوعی مشترک است و مربوط به یک تخصص خاص نمی‌گردد و دوم اینکه بحث منطق صوری، روش است که در کنار بررسی آن با مبانی (روش شناسی) نیز آشنائی اجمالی ایجاد میگردد.

مرحله اول: تعیین موضوع کتاب:

در روش نسبت سنجی تام ما از موضوع شروع می‌کنیم بر خلاف روش تالیفی که تعریف، مورد توجه قرار می‌گرفت در این روش موضوع منطق مشخص میگردد. در مراجعه به کتاب «موضوع منطق»، «سیر از محسوس به معقول ثانیه» تعریف می‌شود. این موضوع کتاب است که روشنگر عنوان «منطق صوری» است.

مرحله دوم: بهینه سازی فهرست کتاب در سطح محوری:

در مرحله دوم، موضوع اصلی کتاب منطق صوری با عناوین فهرست کتاب (یعنی فصل، مقدمات، الفاظ، تصورات، قضایا، جهت و استدلال و مواد قیاس) نسبت سنجی انجام می‌پذیرد. در مرحله اول موضوع کتاب مشخص گردید، در این مرحله آن چیزی که باید مشخص گردد و در حال حاضر مجهول فرض میگردد، عناوین هر یک از فصول کتاب است. در این مرحله باید دید که مثلاً مقدمات چیست؟ بحث الفاظ: در دو سه پاراگراف مشخص میگردد، که ربطی به منطق ندارد و اصولاً کارش تنها انتقال معناست به تعبیری دیگر، فقط وسیله ای برای انتقال موضوع منطق است و تنها وسیله مفاهمه است.

فصل تصورات : در تصورات مفاهیم جزئی و کلی مطرح می‌گردد.

در فصل قضایا: همان مفاهیم الفاظ است .

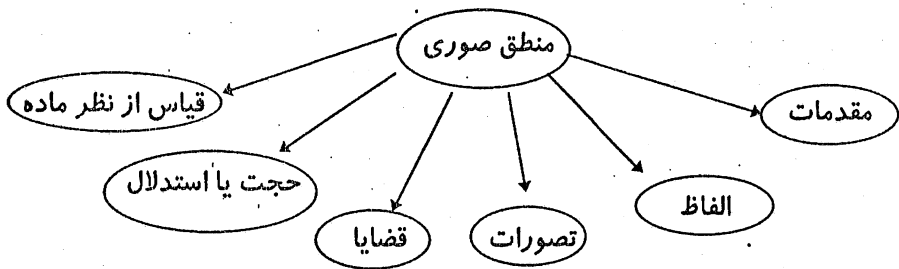
حجّت و استدلال: رسیدن از آنچه که ذهن می داند به آنچه که نمی داند(روش

صحیح فکر کردن است)

مواد قیاس: به استواری قیاس توجه دارد.

بدین ترتیب باید نسبت سنجی هر کدام از عناوین فصل‌ها با موضوع اصلی انجام بپذیرد.

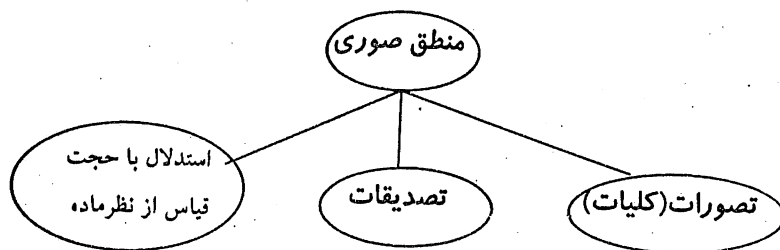
الف- فهرست عناوین اولیه کتاب



با این نسبت سنجی که انجام می‌گیرد، عنوان فصول اصلی کتاب بهینه می‌گردد و می‌گوئیم بحث الفاظ حذف می‌شود. بجای تصورات باید کلیات عنوان گذاری شود. بجای مقدمات، تعریف منطق آورده شود. بحث تصورات و قضایا می‌شود مبحث تصدیقات.

حجت و استدلال (روش صحیح فکر کردن + حرکت از جزء به کل) جزئی به کلی رفتن) و مبحث قیاس و ماده قیاس هم یک بخش می‌شود. بدلیل ترتیب مرحله بهینه کردن عناوین کتاب به اتمام میرسد.

ب- بهینه سازی فهرست عناوین کتاب در سطح محوری



مرحله سوم: بهینه سازی فهرست کتاب در سطح فزعی:

پس از اینکه نسبت سنجی عنوان کتاب با عناوین اصلی فهرست کتاب در سطح محوری انجام پذیرفت، مطالب درونی هر بخش با موضوع، مورد نسبت سنجی قرار میگیرد به تعبیری دیگر با اصلاح عناوین اصلی فهرست کتاب کار مطالعه تمام نمی شود. این سطح محوری از مطالعه کتاب است. اگر این سه فصل که حاصل بهینه سازی فصول مختلف کتاب در سطح محوری بود. مورد تقسیمات درونی واقع شوند و آنها را از درون نسبت سنجی کنیم، در این سطح بهینه سازی فرعی انجام پذیرفته است.

مرحله چهارم: «بهینه سازی فهرست کتاب در سطح تبعی»:

وقتی که وارد یک فصل شدیم، هر فصل به تعدادی مقاله و موضوع خرد تقسیم می شود که به تبیین مفهومی پرداخته‌اند. این پاراگراف‌ها نیز در درون هر فصل مورد نسبت سنجی قرار می گیرند و در فهرست کتاب تغییراتی ایجاد می‌گردد. متناسب با تغییرات بدست آمده، فهرست کتاب در سطح تبعی که شامل خردترین مفاهیم کتاب می‌گردد نیز بهینه سازی انجام می پذیرد.

در این روش بر خلاف روش تالیفی، محقق بدلیل اینکه به یکباره وارد مباحث فرعی و تبعی نمی‌گردد، دچار سردرگمی و ابهام نیز نمی شود. معهذا در صورتی که بخواهد کتاب را در سه سطح محوری - فرعی تبعی مطالعه کند، این توان را داراست علیرقم اینکه از قدرت تصرف بر مطالب نیز برخوردار است.

نکته قابل توجه و تاکید در پایان این مبحث آنست که در این روش، محقق در سطوح مختلف مطالعه با روش نسبت سنجی تام بطور مداوم با فهرست کتاب سر و کار دارد و در هر مرحله آنرا بهینه می کند و از روش خطی در تمام سطوح مطالعه اجتناب می کند